

تحلیل اجتماعی بافت تاریخی شهر شیراز با ارائه راهکارهایی برای حفاظت و مرمت آن

بافت تاریخی هویت شهر را بردوش می‌کشد

ایلا پرنیان

بافت‌های تاریخی به‌عنوان هسته اولیه شهرها، تاریخ مستند شهری، قلب تپنده شهرها، نماد فرهنگ شهری، نماد فرهنگ ملی و اسطوره‌های قومی هستند. سطح نسبتاً چشمگیر و عملکرد فراشهری و در مقیاس منطقه‌ای و ملی، اهمیت این بافت‌ها را دوچندان کرده است. بافت تاریخی به‌عنوان گنجینه‌ای از خاطرات جمعی و شیوه زندگی گذشتگان، «بار فرهنگی و هویتی» شهر را بر دوش می‌کشد. اهمیت و ضرورت این نواحی

تاریخی در شهرها، از جهت تمایل مردم به بازدید و تجدید خاطره‌ها نیز هست. علاوه بر آن به خاطر وجود عناصر و المان‌های با ارزش تاریخی و میراث فرهنگی، اهمیت توریستی این بافت‌ها را نیز نباید فراموش کرد. به‌طور کلی بافت‌های تاریخی موجودیتی کهن و منسوخ و مزاحم نیستند؛ بلکه نمادی از سوابق فرهنگی و مدنی شهر هستند. مرمت و احیای این میراث‌های فرهنگی وظیفه‌ای ملی است؛ چراکه مراکز تاریخی شهرها، تجلی‌گاه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند.



بافت‌های تاریخی متعلق به سیستم شهری هستند

از طرف دیگر در شهرهایی مثل شیراز که دارای پیشینه تاریخی طولانی و به‌تبع آن توالی بافت کالبدی هستند؛ معمولاً مرکز شهر بر هسته قدیمی آن منطبق است و مرکز نقل عملکردی نظام شهر را تشکیل می‌دهد. بافت‌های تاریخی متعلق به سیستم شهری هستند؛ سیستم بزرگی که مردم در آن زندگی می‌کنند و متشکل از اجزاء، آدم‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌ها و در کل مجموعه‌ای است که با هم در ارتباط هستند. پس وظیفه‌ی ماست که همانند دوره‌های تاریخی گذشته؛ این بافت‌های تاریخی را «کامل» داده و به‌عنوان دارایی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، معماری و فضایی شهری آن‌ها را «مرمت» (و نه نوسازی) کرده و با این سیاست روند تکاملی نیاکان خود را ادامه دهیم.

رویکردهایی که باید از آن اجتناب کرد

در این راستا از منظر جامعه‌شناسی این اعتقاد وجود دارد که مدیریت شهری ضروری است هنگام مواجهه با بافت‌های تاریخی از دو رویکرد پرهیز کند: ۱. تفکر انقطاع‌گرایانه و مدرنیستی که مرکز تاریخی شهر را یک زمین خالی فرض می‌کند که در آن باید کانسپت‌های شهر مدرن را پیاده‌سازی کرد! این یعنی قطع هرگونه ارتباط با گذشته و زدودن حافظه تاریخی و پاک‌سازی میراث گذشته و به معنای شیفتگی و جنون خاص حضور پدیده‌های نو در شهر است. ۲. رویکرد حفاظت‌محور: این رویکرد نیز بافت تاریخی را جایی می‌داند که شناسنامه شهر است و باید به‌طور ویژه به آن توجه کرد. در این رویکرد اگرچه بافت تاریخی یک زمین خالی نیست، اما گاهی دیده می‌شود که در این تفکر، بافت تاریخی را قسمت تاریخی شهر می‌داند و آن را به این خاطر، از کل شهر جدا کرده و خطی دور آن کشیده است. در اینجا شهر را از بافت جدا کرده‌ایم. این یعنی بریدن قسمتی از بدن که بعد از جدا شدن، دیگر زنده نیست، باید درک کنیم که تمام شهر یک واحد و یک پیکر است.

حفاظت و مرمت: ویکرد تکامل یافته و الگو

در همین جا لازم است که از رویکرد سومی به‌عنوان رویکرد تکامل یافته و الگو یاد کرد؛ ما باید دنبال «حفاظت و مرمت» بافت تاریخی باشیم. حفاظت و مرمت به معنی مدیریت تغییر یا مدیریت توسعه است. بافت تاریخی نیز بخشی از شهر است که نیازمند توسعه درون‌زا است. هنر مدیریت شهری این است که بتواند توسعه را طوری مدیریت کند که در عین حال حفاظت هم در آن اتفاق بیفتد. مرمت به این معنا نیست که به‌صورت «هوزهای» به بافت تاریخی نگاه کنیم. تجدد قلب سنت است. نباید از توسعه‌ی بافت‌های تاریخی غافل بود. توسعه بافت‌های جدید شهری در کنار عدم توجه به بافت تاریخی و دگرگونی فرم و ساختار محله‌های قدیمی شهر، یعنی گسترش عناصر کالبدی جدید و فراموشی

عناصر تاریخی. متأسفانه امروزه این بافت‌ها بدون برنامه باقی مانده‌اند. تا حدی که امروزه عملاً بر اساس تقاضا است که تعیین می‌شود چه اتفاقی باید در این محدوده‌ها بیافتد. این همان آسیب مدیریتی رایج است.

نظام محله‌ای به هم ریخته است

در کنار آسیب‌های سیستم مدیریتی، آسیب‌های اجتماعی این بافت‌ها نیز قابل توجه هستند: امروزه در بافت‌های تاریخی یک منطقه‌ی رهاشده داریم که در آن افت نظام اجتماعی، نظام اقتصادی، نظام ملکی و نظام خدمت‌رسانی اتفاق افتاده است و در نتیجه آن رفته‌رفته ساکنین محل را تخلیه کرده‌اند. این «جابه‌جایی‌های اجتماعی» حس تعلق محلی را از بین برده است. به بیان ساده‌تر امروزه «نظام محله‌ای» به‌هم ریخته است. این امر افول حیات مدنی در این بخش‌ها را به دنبال داشته است. لازم به ذکر است که این جابه‌جایی‌های اجتماعی موجب تغییر نظام فرهنگی و تغییر نظام کالبدی نیز شده است. بدیهی است که تغییر نظام کالبدی تغییر و آسیب‌های اقلیمی را به دنبال دارد. به‌طور کلی الحاقات آزردهنده به بقایای بدنه‌ها و بناهای تاریخی، وجود این تفکر در مدیریت شهری که «راحت‌ترین و سریع‌ترین راه کسب درآمد شهری «فروختن» است! و نیز نفوذناپذیری و بافت متراکم تاریخی موجب شده که زیرساخت‌های مناسب شهری همگام با دوره‌های توسعه در این بافت‌ها ایجاد نشود؛ بنابراین در روند تغییر و تحول بافت شهری؛ گریزی از تغییر و تحول مرکز تاریخی شهر بر اساس نیاز روزمره نیست.

اجرای آرمان‌های طرح‌ها و برنامه‌های توسعه در

بافت‌های تاریخی امروزه شورای شهر و نیز مجموعه شهرداری به‌عنوان نهاد اصلی در مدیریت شهری ضروری است به‌منظور حیات بخشیدن مراکز تاریخی به دنبال اجرای آرمان‌های طرح‌ها و برنامه‌های توسعه در بافت‌های تاریخی باشند. در این راستا توجه به چند نکته مهم ضروری است: ۱. گوناگونی و پیچیدگی بافت‌های تاریخی لزوم بافت‌شناسی هنگام مداخله در آن‌ها را به‌عنوان یک مقوله مهم در مدیریت بافت تاریخی شهری مطرح کرده است؛ بنابراین نظام مدیریت شهری زیرساخت و بستر اصلی مرمت بافت‌های تاریخی شهری است. ۲. بهسازی و مرمت شهری بافت‌های تاریخی کاری تدریجی، سلولی و در حد واحدهای همسایگی است که باید در سطح مدیریت محلات انجام گیرد. ۳. ما نیازمند تولید «نرژوی گروهی» و مشارکت «مردمی» در تحقق این مهم هستیم. این رویکرد اکنون در اکثر نقاط جهان به‌منظور توسعه محلی و بر اساس تشریک‌مساعی بین سازمان‌های محلی، مسئولین و ذی‌نفعان با موفقیت انجام شده است. ۴. نباید فراموش کرد که می‌توان به بافت‌های کهن شهری، اندیشه‌های نو تزریق کرد اندیشه‌های که اجازه می‌دهد اشیاء و بافت‌های تاریخی وارد زندگی شهری شوند و در بازتولید فضای شهری نقش جدی و معناداری بازی کنند.

راهکارهای عملی

یکی از مهم‌ترین راهکارها ایجاد «پیاده‌راه» است. ۱. روان‌بخشی محیط و ایجاد انگیزه‌های لازم برای تداوم زندگی در بافت تاریخی: ساکنان فعلی بهترین سرمایه‌گذاران و حافظان آن خواهند بود. ۲. توجه به نقش سرمایه‌های اجتماعی محلات (تجمعات همسایگی، برگزاری آیین‌ها، مناسک، ... ۳. توجه به نقش و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد. ۴. توجه به نقش و فعالیت شورایی‌ها. ۵. توجه به نقش هویت‌بخشی به محلات تاریخی توسط مدیریت شهری. ۶. توجه به نقش سرمایه‌گذاری بخش دولتی. ۷. توجه به نقش ارائه بسته‌های تشویقی (معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی کم‌بهره، ... ۸. توجه به تدوین قوانین انگیزشی جهت ابقاء ساکنین محلات و عدم مهاجرت آن‌ها. ۹. تدوین قوانین محدودکننده جهت عدم تغییر کاربری اماکن تاریخی به سایر فعالیت‌های اقتصادی. ۱۰. ایجاد راهکارهایی جهت افزایش ارزش افزوده املاک تاریخی برای مالکین آن‌ها. ۱۱. توجه به نقش بهسازی و مرمت بافت‌های تاریخی. ۱۲. توجه به توسعه مبلان شهری (پیاده‌روسازی، نورپردازی، زیباسازی، توسعه فضای سبز، ... ۱۳. ایجاد حریم اقتصادی (قلمرویی) که فعالیت‌های متفرقه اقتصادی در آن باعث کاهش ارزش اقتصادی بافت تاریخی می‌شود).

پن. سرپرست اداره سلامت اجتماعی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری

بافت‌های تاریخی موجودیتی کهن و منسوخ و مزاحم نیستند؛ بلکه نمادی از سوابق فرهنگی و مدنی شهر هستند. مرمت و احیای این میراث‌های فرهنگی وظیفه‌ای ملی است؛ چراکه مراکز تاریخی شهرها، تجلی‌گاه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمانی است که هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند

ما باید دنبال «حفاظت و مرمت» بافت تاریخی باشیم. حفاظت و مرمت به معنی مدیریت تغییر یا مدیریت توسعه است. بافت تاریخی نیز بخشی از شهر است که نیازمند توسعه درون‌زا است. هنر مدیریت شهری این است که بتواند توسعه را طوری مدیریت کند که در عین حال حفاظت هم در آن اتفاق بیفتد

وجود این تفکر در مدیریت شهری که «راحت‌ترین راه و سریع‌ترین راه کسب درآمد شهری «فروختن» است! و نیز نفوذناپذیری و بافت متراکم تاریخی، موجب شده که زیرساخت‌های مناسب شهری همگام با دوره‌های توسعه در این بافت‌ها ایجاد نشود

دوبین

۱. نباید فراموش کرد که امروزه بافت‌های تاریخی کشورمان به دلیل «فقدان حیات شهری» رو به ویرانی نهاده‌اند. مرمت بافت تاریخی شهر یعنی مجموعه و ترکیبی از اقدامات و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی برای آفرینش مجدد احساس زندگی در بافت تاریخی با تأکید بر حفظ سازمان فضایی شهر کهن

۲. گوناگونی و پیچیدگی بافت‌های تاریخی لزوم بافت‌شناسی هنگام مداخله در آن‌ها را به‌عنوان یک مقوله مهم در مدیریت بافت تاریخی شهری مطرح کرده است؛ بنابراین نظام مدیریت شهری زیرساخت و بستر اصلی مرمت بافت‌های تاریخی شهری است. بهسازی و مرمت شهری بافت‌های تاریخی کاری تدریجی، سلولی و در حد واحدهای همسایگی است که باید در سطح مدیریت محلات انجام گیرد

۳. مدیریت شهری ضروری است هنگام مواجهه با بافت‌های تاریخی از دو رویکرد پرهیز کند: ۱. تفکر انقطاع‌گرایانه و مدرنیستی که مرکز تاریخی شهر را یک زمین خالی فرض می‌کند که در آن باید کانسپت‌های شهر مدرن را پیاده‌سازی کرد! این یعنی قطع هرگونه ارتباط با گذشته و زدودن حافظه تاریخی و پاک‌سازی میراث گذشته و به معنای شیفتگی و جنون خاص حضور پدیده‌های نو در شهر است. ۲. رویکرد حفاظت‌محور: این رویکرد نیز بافت تاریخی را جایی می‌داند که شناسنامه شهر است و باید به‌طور ویژه به آن توجه کرد. در این تفکر، بافت تاریخی را قسمت تاریخی شهر می‌داند و آن را به این خاطر، از کل شهر جدا کرده و خطی دور آن کشیده است. در این تفکر، بافت تاریخی را از بافت جدا کرده‌ایم. این یعنی بریدن قسمتی از بدن که بعد از جدا شدن، دیگر زنده نیست، باید درک کنیم که تمام شهر یک واحد و یک پیکر است